

کلام در ذکر که تا این زمان ندانستم که کجا سادت رفیق بود رفیق
 در خفاست و مال عزیز است که غریب کجا رفیق بود همه چیز که مقدم است

مطلب لغا و سالکان مساکل منازل ملأ اعلی را
 بر سجاده ظاهر شدت مصطفوی و باطن
 طریقت مستوفی ثابت و راسخ کوران و سلطنت صورت
 با سلطنت معنوی مردون حضرت خداوند کاری باد
 و شجره وجود شریف او را در باغ سلطنت و کامرانی
 از باد خزان نکبان حواریان ساهای بسیار در پناه
 عصمت محفوظ و مصون دار شد محمت کل اولیایه
 من الاقطاب والافراد تحت بعوض البوص من توفیق

شهر اجماع کند زانکه اجماع بخورد ز با زار در عزه نهند دست را در رخ و طاق

ولت ای من قبل ای و اما و نکتها ایاه بین توالدی و النکاح الاقرب
 الابل العقل لا ور والدم الطبیعة وام الام ۱۱ والولادة الظهور

وقد خال عن ابنی ابنی المیدرانی جدام الموالدی
 فالعقل هو العقل الی والموالید العقل والنفس والجم واما الحضرة الاطیبة ووجد
 وانی اب الایة قبل نبوتی طم وطم فی نشاء طی و لا بدری
 الایة العقول و ابوهم نفس الرمانی والبسوة التعین العنصری فانهم اولاد من
 وکتب اب اللامات وحدها وبعلی عن من ان فهمت مقاصد
 الایة النفس و ابوها العقل و صدها التعین الاول و هو حقیقة الانسان الکامل
 بل اذا حققت النظر تزوجت بالانسان فان موتک الوجود للتعین بالتعین الاول
 والتعین لیس نزیل علیهم بل یونس قائم بنفسه متعین و التعین فافهم

اینکه در بعضی از اینهاست که هر که در این راه باشد باید که اینها را بداند
 و اینها را بداند که اینها را بداند که اینها را بداند که اینها را بداند که اینها را بداند
 که اینها را بداند که اینها را بداند که اینها را بداند که اینها را بداند که اینها را بداند